

حج در نهج البلاغه (۱)
تألیف: رضا کریمی واقف

مقدمه

- آثار حج، رحمت الهی
- آثار حج، وصال بهشت
- آثار حج، همبستگی دینی
- آثار حج، شست و شوی گناهان
- آثار حج، رونق اقتصادی
- آثار حج، آمرزش الهی
- آثار حج، پاکسازی و خلوص
- آثار حج، سود مغوی
- آثار بیتوجهی و ترك حج
- آثار عمره
- آموزش حج
- آمرزش گناهان در حج
- اجاره و حکم آن در حرم
- احرام
- احکام، وجوب حج
- احکام حج، وقت کوچ از عرفات
- احکام قربانی
- ادای حق کعبه
- ارزش کعبه
- اشتیاق حج و دیدار کعبه
- اعتکاف رسول الله در غار حرا
- اقامه حج
- امتحان و آزمایش الهی در حج
- امنیت حرم
- امنیت حرم
- اموال کعبه
- انبیای الهی در حج
- اهمیت کعبه
- اهمیت کعبه و حج
- اهل و عیال مسافر
- ایام الله در حج
- بازار حج
- بنای کعبه از زمان آدم (علیه السلام)
- بنای کعبه از زمان آدم (علیه السلام)
- بنای ساده کعبه
- بهشت یاداش حج
- بهترین وسیله تقرب به خداوند
- بیتوجهی به زیباییهای دنیوی در حج
- بیگانگان در مراسم حج
- یاداش حج
- یاداش حج، وصال بهشت
- یاداش حج، غفران الهی
- پناه بیناهان
- پناهگاه انسانها
- تبلیغات در حج
- تجارت در حج
- توطئه بیگانگان در مراسم حج

[تعلیم و تعلم در حج](#)
[تقویت دین با حج](#)
[تواضع در حج](#)
[تواضع در حج](#)
[توجه به نیاز حجاج](#)
[توجه به نیازمندان در حج](#)
[توحید در حج](#)
[توسل به خداوند](#)
[جایگاه انبیای الهی](#)
[جایگاه کعبه در اسلام](#)
[جهاد ناتوانان](#)
[حج آدم](#)
[حج، اعتراف به عزت خداوند](#)
[حج انبیا\(علیهم السلام\)](#)
[حج، بازار بندگی خداوند](#)
[حج، بهای بهشت](#)
[حج، بهترین وسیله تقرب به خداوند](#)
[حج، بیتوجهی به زیباییهای ظاهری](#)
[حج، بیتوجهی به زیباییهای دنیوی](#)
[حج، دعوت برگزیدگان](#)
[حج، زایل کننده شخصیت‌های کاذب](#)
[حج، پیروی انبیای الهی](#)
[حج، جایگاه ترویج علوم دینی](#)
[حج، جهاد ناتوانان](#)
[حج، سبب رحمت الهی](#)
[حج و عمره، شستشو دهنده گناهان](#)
[حج، تصدیق کلام خداوند](#)
[حج، عامل تقویت دین](#)
[حج، عامل همبستگی دینی](#)
[حج، عامل رونق اقتصادی](#)
[حج، محل گفتگوی دانشمندان](#)
[حج و حکومت اسلامی](#)
[حج و رفع نیاز محتاجان](#)
[حج، وسیله امتحان مردمان](#)
[حج، وسیله خلوص](#)
[حج، وعدهگاه آمرزش الهی](#)
[حج معنوی](#)
[حرا](#)
[حفظ اموال کعبه :](#)
[حکومت اسلامی و خانه خدا](#)
[بی نوشت ها](#)

مقدمه

حمد و سپاس خداوند مَنان را و درود و صلوات بر محمد و آتش .

کعبه به عنوان مرکز توحید، قبله جهانیان، و حج به عنوان بینظیرترین تجلی عبادت و بندگی و با شکوه‌ترین تجمع الهی، و امام علی(علیه السلام) به عنوان برترین الگوی انسانی کامل و نهج‌البلاغه بهمنزله بالاترین کلامانسانی، همواره بهم پیوندي قرین و ناگسستني دارند .

علي، نه تنها مولود كعبه، كه موعود كعبه است. ادای حق بیتالله فریضه است و معرفت علي(عليه السلام) این حق است .

و حجّ خانه توحيد جز با اتصال به امامت و شناخت ولایت به اتمام نمیرسد. سرتاسر مناسك و اعمال حج، رمز و رازي دیگر دارد كه آثار و رهاورد این عبادت در اسرار شگفت آن نهفته است .

و علي(عليه السلام) این برترین انسان، در بالاتري كلام، از كعبه، با فضیلتترین نقطه جهان و از حج، پرشكوهترین عبادت، سخن میراند و در نهج البلاغه شریفش كه نازله روح اوست، گوشه‌هاي از زلال این فرمان الهی را برای تشنگان چشمه معرفت جاری میسازد .

این مجموعه، فهرستی از كلام بلیغ آن حضرت در باره خانه توحيد در نهجالبلاغه است .

امید آنكه در سال مولا امیر مؤمنان(عليه السلام) خدمتی باشد در ترویج معارف گهربار ولایت، و نشانی در راه عاشقان خانه دوست و محبان حریم ولایت .

این تلاش ناچیزی است در شناسایی مطالب آن كتاب نورانی، درباره كعبه و حج و فهرستبندی موضوعي آن .

گفتنی است، با توجه به تنوع موضوعات، چه بسا يك فرمان و بیان بلیغ حضرت، تبیین کننده چند مطلب و ناگزیر به چندین تکرار باشد .

امید آنكه مورد عنایت حضرت حق قرار گیرد .

آثار حج، رحمت الهی

«...جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ» (خطبه ۱۹۲)

«خداوند سبحان... حج را سببی برای رحمت خویش قرار داد .»

خطبهها و نامهها و حکمتهای نهج البلاغه، اشارات بلیغی به آثار معنوي، اجتماعي، سياسي و اقتصادي حج دارند. به فرمایش آن حضرت، در سایه برگزاری این مراسم معنوي، اثرات زیبایی از رحمت الهی، نصیب افراد و جوامع مسلمان میگردد .

آثار حج، وصال بهشت

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَوَصَّلَهُ إِلَي جَنَّتِهِ» (خطبه ۱۹۲)

«...خداوند حج را وسیله‌ای برای رسیدن مردم به بهشت قرار داد .»

حج گزاران و کارگزاران حج، با لبیک به این فرمان الهی، درهای بهشت خدا را به روی خویش می‌گشایند .

آثار حج، همبستگی دینی

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ» (حکمت ۲۵۲)

«خداوند حج را برای همبستگی مسلمانان واجب گردانید .»

و نیز حضرت امام هشتم(عليه السلام) (فرمودند: خداوند خاتماش را نقطه گردهمایی از شرق و غرب جهان قرار داد تا مسلمانان همدیگر را بشناسند^۱ .

تألیف قلوب مسلمین و انس و وحدت میان آنان و نزدیکی و شناخت حال همدیگر، از آثار پرشکوه این فریضه الهی است که حضرت امیر(علیه السلام) بدان اشاره فرموده‌اند

آثار حج، شست و شوی گناهان

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ... وَيَرْحُضَانِ الدُّنْبَ».(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیتالله الحرام... شستشو دهنده گناهان هستند.»

آری، از رهاوردهای ارزشمند حج، آموزش الهی برای حجاج خانه خداست.

آثار حج، رونق اقتصادی

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ...».(خطبه 110)

«حج و عمره خانه خدا، نابود کننده فقر هستند.»

آثار فراوان اقتصادی حج غیر قابل انکار است. رفع فقر و آبادانی بلاد مسلمین و رونق اقتصادی جوامع مسلمان، از دیگر آثار این فریضه الهی است که حضرت بدان اشاره دارند.

آثار حج، آموزش الهی

«...وَيَبَادِرُونَ عِدَّةَ مَوْعِدِ مَغْفِرَتِهِ».(خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت الله الحرام... به سوی وعدگاه آموزش الهی میشتابند.»

آموزش و غفران الهی، مهمترین آثار و رهاوردهای است که هر مسافر خانه خدا میتواند برای خود به ارمغان آورد. ارمغان از جایی که حاجی میهمان است و پذیرایی میهمان با غفران الهی صورت میگیرد. و میهمان عارف در این خوان ضیافت، آموزش الهی را میخواهد و در طلبش شتاب فراوان دارد.

سعدی در گلستان گوید :

درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه همی مالید و میگفت: یا غفور یا رحیم، تو دانی که از ظلوم جهول چه آید :

عذر تقصیر خدمت آوردم عاصیان از گناه توبه کنند عاصیان از گناه توبه کنند که ندارم به طاعت استظهار عارفان از عبادت استغفار عارفان از عبادت استغفار

عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان بهای بضاعت. من بنده امید آوردهام نه طاعت و به دریوزه آمدهام نه به تجارت، «اصنع بي ما أنت أهله.»

بر در کعبه سائلی دیدم مینگویم که طاعتم بپذیر مینگویم که طاعتم بپذیر که همی گفت و میگرستی خوش قلم عفو بر گناهام کش قلم عفو بر گناهام کش

باب دوم گلستان

آثار حج، پاکسازی و خلوص

«...وَتَمْحِصاً بَلِيغاً...»(خطبه 192)

«و خداوند سبحان حج را ..برای پاکسازی و خالص شدن قرار داد.»

حج صحنه آزمایش است که به خودسازی مسلمان و پاکسازی درونی و خالص شدن اعمال و نیات او میانجامد .

- کعبه را گر هر دمی عزّی فزود کعبه را گر هر دمی عزّی فزود
- آن ز اخلاصات ابراهیم بود آن ز اخلاصات ابراهیم بود

(مولوی)

آثار حج، سود معنوی

...«يُحْرَزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ».(خطبه ۱)

دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در این تجارتگاه عبادت الهی به دست میآورند .

بندگی خداوند سود سرشار دارد. هر که به خداوند نزدیکتر شد، بیننازتر شد. انسان حجگزار به خداوند تقرّب بیشتری میجوید و در سایه این عبادت خالص به همه چیز میرسد .

آثار بیتوجهی و ترك حج

«وَاللّٰهُ اللّٰهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تَخْلُوهُ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَظَرُوا».(نامه 47)

«خدا را، خدا را، دربارۀ خانه پروردگارتان، تا هستی آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمیشوید.»

نامه ۷۴ نهج البلاغه وصیت نامه بسیار مهمّ حضرت است که ایشان پس از ضربت خوردن از شقیترین مردم، در ماه رمضان سال ۴۰ هـ در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) بیان فرمودند. در جمله فوق که قسمتی از وصیتنامه و سفارش به خانه خدا و حج میباشد، امام (علیه السلام) از آثار مهمّ ترك حج و تضعیف این مراسم را، از میان رفتن پشتیبان و غلبه دشمن درونی و بیرونی میداند .

آثار عمره

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْحِضَانِ الدُّنْبَ».(خطبه 110)

«حج و عمره بیتالله الحرام، نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناهان هستند.»

در این بیان، حضرت، عمره را هم مانند حج، دارای تأثیر بسزا در رونق اقتصادی مسلمین و نابودی فقر و تأمین حوائج مادی و دنیوی اجتماعات اسلامی میداند در حالی که بلافاصله تأثیر عمیق معنوی و اخروی آن نیز مدنظر آن امام بزرگوار قرار میگیرد که آموزش گناهان معتمرین و عمرهگزاران این بیت شریف است .

آموزش حج

...«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، ... فَأَقِمْ الْمُسْتَفْتَى، وَعَلِّمِ الْجَاهِلَ، وَذَكِّرِ الْعَالِمَ».(نامه 67)

«پس برای مردم حج را بپا دار و سپس فتاوی دینی را به طالبان آن ابلاغ نما و نا آگاهان را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز.»

براستی حاجیانیکه پا به این عرصه عظیم عبادی میگذارند. نیازمند آموزش منسجم از مناسک و احکام حج، اسرار حج، اخلاق حج، و تعالیم دیگر مؤثر در بهره‌گیری هرچه بهتر از این موقعیت استثنایی هستند و حضرت در این نامه لزوم توجه به این امر مهم را به فرماندار مکه به عنوان سرپرست حجّاج و امیر الحاج منصوب امام، سفارش میکنند. آموزش گناهان در حج

امام صادق (علیه السلام) فرمود :

«الْحُجَّاجُ يَصْدُرُونَ عَلَي ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: ... صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ دُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.»

«حجاج در سه گروه باز میگردند... و گروهی از آنان در حالی که گناهان آنان بخشیده شده، مانند روزی که از مادر زاده شده‌اند².»

اجاره و حکم آن در حرم

«... وَمَرُّ أَهْلِ مَكَّةَ إِلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنٍ أَجْرًا.» (نامه 67)

«وبهمردم مکه فرمانده تا از هیچ زانری درایام حج، اجرت و مزد مسکن نگیرند.»

از موارد احکام فقهی مربوط به حرم این است که بعضی اجاره دادن خانه‌های حرم به زائران را ممنوع میدانند و بعضی دیگر آن را مکروه می‌شمارند. و سر آن این است که در قرآن میفرماید :

«... سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...»؛ «مقیم و مسافر در آنجا یکسانند.»

دستور اصلی نیز همین بود که ساکنان مکه در خانه‌های خود را باز بگذارند تا زائران با سکونت در آنها، مناسک حج خود را با رفاه و آرامش بیشتری انجام دهند و برگردند.

احرام

«قَدْ نَبَذُوا السَّرَابِيلَ وَرَأَوْا ظُهُورَهُمْ.» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله (لباسهای خود را که نشانه شخصیت هر فرد است، (جهت احرام) در آورند و پشت سر اندازند.»

احرام مرحله‌ای از اعمال حج و عمره است که فرد با کندن لباسهای ظاهری و ندای لبیک، به فرمان دعوت الهی، پاسخ میگوید و در جمع دیگر حجّاج، به خدا میپیوندد و محرّمات احرام را برخورد میپذیرد و وارد اعمال حج میشود.

- چون همی خواستی گرفتی احرام جمله بر خود حرام کرده بدی جمله بر خود حرام کرده بدی
- چه نیت کردی اندر آن تحریم هر چه مادون کردگار قدیم هر چه مادون کردگار قدیم

ناصر خسرو احکام، وجوب حج

«...وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ». (خطبه ۱)

«و خداوند حج خانه محترم خود را بر شما واجب گردانید.»

و قرآن میفرماید...: {وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ}; «بر مردمانی که توانایی دارند، حج خانه برای خدا واجب گشت و هر کس کفر ورزد، بداند که خداوند از عالمیان بینیاز است»³.

احکام حج، وقت کوچ از عرفات

«...وَصَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرَبَ حِينَ... وَيَدْفَعُ الْحَاجُّ إِلَيَّ مَنِيَّ» (نامه 52)

«و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوان که ... حاجی از عرفات به منا کوچ میکند.»

در این نامه که حضرتبه فرماندارانشهرها مینویسند، فرامینی دارند در نحوه نمازشان با مردمکه در آن، وقت نمازها و نماز مغرب را تعلیم میدهند و در وقت نماز مغرب، اشارهایدارند بهزمانکوچ حجاجاز عرفاتبهمشعر و منا کههنگام نماز مغرب است.

احکام قربانی

«وَمَنْ تَمَّ الْأَضْحِيَّةَ اسْتَشْرَافَ أُذُنَيْهَا، وَسَلَامَةٌ عَلَيْهَا». (خطبه 53)

«وکمال قربانی در این است که گوش و چشم آن سالم باشد.»

حیوانی که در حج برای قربانی انتخاب میگردد، احکام و شرایطی دارد که حضرت در این خطبه کوتاه، بیان مختصری در مورد سالم بودن آن آوردهاند.

ادای حق کعبه

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... فَرَضَ حَقَّهُ». (خطبه ۱)

«خداوند سبحان حج خانهاش را بر شما فرض نمود و ادای حق کعبه را واجب گردانید.»

احکام قربانی

«وَمَنْ تَمَّ الْأَضْحِيَّةَ اسْتَشْرَافَ أُذُنَيْهَا، وَسَلَامَةٌ عَلَيْهَا». (خطبه 53)

«وکمال قربانی در این است که گوش و چشم آن سالم باشد.»

حیوانی که در حج برای قربانی انتخاب میگردد، احکام و شرایطی دارد که حضرت در این خطبه کوتاه، بیان مختصری در مورد سالم بودن آن آوردهاند.

ادای حق کعبه

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... فَرَضَ حَقَّهُ».(خطبه ۱)

«خداوند سبحان حجّ خانه‌اش را بر شما فرض نمود و ادای حقّ کعبه را واجب گردانید.»

ارزش کعبه

«...بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ، وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ، فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامِ...».(خطبه ۱۹۲)

«سنگهایی است که نه زیان میرسانند و نه نفعی دارند، نه میبینند و نه میشنوند. پس خداوند آنها را خانه محترم خویش قرار داد.»

در این خطبه حضرت ارزش خانه کعبه را به سنگهای آن نمیدانند. سنگهای معمولی بهتنهایی بی‌اثرند. بلکه بهفرمایش آن بزرگوار، ارزش کعبه به آن است که خداوند این سنگها را خانه مورد احترام خود و وسیله‌ای برای امتحان بندگان خویش قرار داد.

- فضل آن مسجد ز خاک و سنگ نیست فضل آن مسجد ز خاک و سنگ نیست
- لیک در بناش حرص و جنگ نیست لیک در بناش حرص و جنگ نیست

(محمد طبسی)

اشتقاق حج و دیدار کعبه

«...حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، ... يَرُدُّوهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ».(خطبه 1)

«خانه محترم خداوند... که مردم چونان تشنگان به سوی آن روی می‌آورند.»

حضرت شیفتگان حرم الهی و مشتاقان خانه خدا را به تشنگانی توصیف کرده‌اند که مانند چهار پایان، بیتکلف به سوی آب هجوم می‌آورند.

اعتکاف رسول الله در غار حرا

«وَلَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ [يُجَاوِرُ فَيْكُلَ سَنَةِ بَحْرَاءَ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي]».(خطبه 192)

«همانا پیامبر(صلي الله عليه وآله) چند ماه از سال را در غار حرا میگذراند، تنها من او را مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمیدید.»

پیامبر(صلي الله عليه وآله) در سال‌های قبل از بعثت، خلوتگاهی در کوه حرا جهت عبادت برگزیدند. آیات نخست قرآن در این مکان بر پیامبر(صلي الله عليه وآله) نازل گشت.

اقامه حج

«...فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ»(نامه 67)

«سپس برای مردم حج را بیای دار.»

قرآن میفرماید: {جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...}; خداوند کعبه را مایه قیام مردم قرار داد⁴».

در این نامه نیز که حضرت در فرماتی به قثم بن عباس، فرماندار مکه مینویسند، لزوم اقامه و برپایی آن را برای مردم تأکید میکنند .

امتحان و آزمایش الهی در حج

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْبَارٍ ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ». (خطبه ۱۹۲)

«همانا خداوند سبحان، انسانهای پیشین، از آدم (علیه السلام) تا آیندگان این جهان را به وسیله سنگهایی، که آن را خانه محترم خود قرار داد، آزمایش نمود.»

خداوند ادعای ایمان بندگان را میآزماید و در مسیر همین آزمایش، کعبه را وسیله‌ای برای امتحان مردم جهان قرار داد، امتحانی از اولین تا آخرین انسان .

امنیت حرم

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَكَلَةَ الْحَمَامِ». (خطبه ۱)

«خانه محترم خداوند... که مردم همانند کبوتران به آن پناه می‌آورند.»

در حرم، کشتن حیوانات وحشی و شکار آنها حرام است. در حرم جنگ و خونریزی حرام است. کندن درختان و گیاهان حرم جایز نیست. حمل سلاح در آن ممنوع است. دست زدن به اشیای گم شده در حرم منع شده است. مجرمان پناهنده به حرم، نباید در آنجا مجازات شوند .

{وَادَّ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا .}

«و هنگامی که ابراهیم (علیه السلام) دعا کرد که پروردگارا! این سرزمین را شهر امن قرار ده⁵».

- کعبه امن و امانی لا جرم در مرتبت کعبه امن و امانی لا جرم در مرتبت
- بارگاه و مجلس تو کعبه و بطحا شدند بارگاه و مجلس تو کعبه و بطحا شدند

(ادیب صابر)

امنیت حرم

«جَعَلَهُ (سبحانه و تعالی)... وَلِلْعَانِدِينَ حَرَمًا». (خطبه ۱)

«خداوند سبحان... کعبه را... خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد.»

- حق گفت ایمن است هر آن کو به حج رسید حق گفت ایمن است هر آن کو به حج رسید
- ای چرخ حقگزار ز آفات ایمنی ای چرخ حقگزار ز آفات ایمنی

(مولوي)

اموال كعبه

«...وَكَانَ حَلِيَّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَيَّ حَالِهِ، ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». (حكمت 270)

«و اما زيور آلات كعبه از اموالي بودند كه خداوند آن را به حال خود گذاشت... تو نيز آن را به حال خود واگذار (و مصرف ديگر مكن) همانگونه كه خداوند و پيامبر(صلي الله عليه وآله) آن را به حال خود واگذاشتند.»

حكم حضرت در آن هنگام كه خليفه دوم قصد استفاده از زيورهاي كعبه را براي مصارف ديگر داشت، عدم جواز اين كار بود. و استناد حضرت به عدم حكم خدا و عدم اقدام پيامبر(صلي الله عليه وآله) قرار گرفت.

و او نيز گفت :

«لَوْلَاكَ لَأَفْتَضَحْنَا. (وترك الحلي بحاله.»)

«يا علي اگر تو نبودي، رسوا ميشديم (و متعرض زيور آلات كعبه نشد...)»

انبياي الهي در حج

«وَاخْتَارَ... ، وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَانِهِ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندهگان به خانه محترم خداوند كساني هستند كه... پاي خود را بر جايگاه انبياي الهي ميگذارند.»

اشاره حضرت در اين خطبه به آن است كه انبياي الهي در خانه كعبه حضور يافته و حج بيت الله الحرام را انجام دادهاند. در ضمن روايات بسياري در تأييد انجام حج توسط حضرت آدم(عليه السلام) تا حضرت خاتم(صلي الله عليه وآله) نقل شده است

اهميت كعبه

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهِ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا». (خطبه ۱)

«خداوند سبحان كعبه را براي اسلام نشانه گويا قرار داد.»

كعبه بسان پرچم و درفشي با شكوه بر فراز بناي رفيع اسلام همواره ميپايست برافراشته باشد.

اهميت كعبه و حج

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ...». (نامه 47)

«خدا را، خدا را، شما را وصيت ميكنم درباره خانه خدا كه تا هستيد آن را خالي مگذاريد.»

در بيان اهميت بسيار بالاي حج در اسلام، همين بس كه حضرت اين وصيت را در بستر شهادت به امام حسن و امام حسين(عليهما السلام) ميكنند و در سفارش آن با دو بار ذكر جلاله «الله»، تأكيد مينمايند

اهل و عيال مسافر

«اللَّهُمَّ... وَأَنْتَ الْخَلِيقَةُ فِي الْأَهْلِ». (خطبه 46)

«خداوند! تو در وطن نسبت به باز ماندگان (و اهل و عیال) ما (مسافران) سرپرست و نگهدار هستی.»

جمله فوق قسمتی از دعای سفر است که آن حضرت بیان فرموده‌اند و نیز از امام‌صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «الحاج... محفوظ في أهله وماله»; «اهل و عیال و مال و منال مسافر خانه خدا محفوظ و در امان است»⁶.

ایام الله در حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ». (نامه ۶۷)

«پس مناسک حج را برای مردم بپادار و متذکر ایام الله برای آنها باش.»

حضرت پس از لزوم بر پایي حج که در دستورشان به فرماندار مکه به عنوان امیرالحاج مینویسند، لزوم یاد ایام الله را نیز در ادامه به وی متذکر میشوند.

بازار حج

«يُحْرَزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَجَرِّ عِبَادَتِهِ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت الله الحرام... سودهای فراوان در تجارتگاه و بازار عبادت الهی به دست می‌آورند.»

بنای کعبه از زمان آدم (علیه السلام)

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ... بِأَحْجَارٍ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ...» (خطبه 192)

«همانا خداوند سبحان آزمایش کرد انسانها را از آدم (علیه السلام) تا... با سنگهایی... که آن را خانه محترم خود قرار داد.»

از این بیان حضرت چنین نتیجه‌ای نیز به دست می‌آید که بنای کعبه در زمان آدم (علیه السلام) نیز بر پا بوده‌است و اقدام حضرت ابراهیم (علیه السلام) صرفاً تجدید بنای این خانه الهی بوده است.

بنای کعبه از زمان آدم (علیه السلام)

«ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَنْتُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ» (خطبه 192)

«پس آدم و فرزندان او را فرمان داد که به سوی کعبه بازگردند.»

بنای ساده کعبه

«وَلَوْ كَانَ الْأَسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا، وَالْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا; مِنْ زُمْرَةِ خَضْرَاءٍ... لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ». (خطبه 192)

«و اگر پایه‌ها و بنیان کعبه و سنگهایی که در ساختمان آن به کار رفته، از زمره سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دلها دیرتر به شک و تردید میرسیدند.»

حضرت در این بیان فرموده است: خداوند بنای کعبه را ساده قرار داد تا انسان ها را با آن بهتر بیازماید و امکان ایجاد زمینهای شک و تردید در این آزمایش الهی برای مشکلتر شدن این آزمون است؛ چرا که وسیله امتحان میبایست با توجه به ارزش و اهمیت نتیجه آن، صورتی مشکلتر داشته باشد.

بهشت پاداش حج

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَصَلَّةً إِلَيَّ جَنَّتِهِ» (خطبه 192)

«خداوند حج را وسیله‌ای برای... رسیدن بندگان به بهشت خویش قرار داد.»

بهشت پاداشی است که خداوند برای آنان که از آزمون بزرگ حج نیز، امتیاز قبولی را به دست آورند، مقرر فرموده است.

بهترین وسیله تقرب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... حَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ» (خطبه 110)

«همانا بهترین چیزی که انسانها میتوانند به وسیله آن به خداوند سبحان نزدیک شوند و متوسل گردند... حج خانه خدا و عمره آن است.»

وسایل تقرب و نزدیکی به خداوند، بسیار است، اما آنچه را حضرت در این خطبه به عنوان بهترین این وسایل بر می‌شمارند، ده چیز است، ایمان، جهاد، اخلاص، نماز، زکات، روزه، حج، صله رحم، صدقه، کارهای پسندیده و یکی از این امور همان حج و عمره بیت الله الحرام است.

بیتوجهی به زیباییهای دنیوی در حج

«... وَبِرْمُلُونَ عَلَيَّ أَقْدَامِهِمْ، شُعْنًا غَيْرًا لَهُ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله... طواف خانه میکنند... در حالی که موهایشان آشفته است و بدن های غبار آلود دارند.»

توصیف حضرت از حجاج شیفته بیت الله در این است که آنان چنان عاشق زیارت خانه دوست هستند که بیتوجه به وضعیت ظاهری، به محض رسیدن از راه دشوار سفر، با همان وضع آشفته، اما درونی زیبا، به دیدار کعبه که نشان از محبوب دارد، میشتابند.

بیگانگان در مراسم حج

رجوع شود به :

توطنه بیگانگان در مراسم حج. (نامه ۳۳)

در حالی که بیگانگان و دشمنان اسلام، تأثیرات عمیق حج را در ارتقای دین و دنیای مسلمین میبینند و تأثیر شگرف آن را در وحدت و انسجام بلاد اسلامی مشاهده میکنند، در مقابل این مراسم وحدت آفرین، بیتفاوت نمیشینند و از توطنه در تضعیف آن مضایقه نمیکنند.

پاداش حج

«وَلَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ... لَكَانَ قَدْ صَغَرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ، عَلَيَّ حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ» (خطبه 192)

«اگر خداوند سبحان خاهش را در سرزمینی قرار میداد که... همانا پاداش آن به تبع ضعیف شدن آزمایش کمتر میشد.»

در این بیان، حضرت به حجاج رنجیده‌های که برای رسیدن به خانه محبوب، سختی‌های فراوانی را متحمل میگردند، نوید میدهد که رنج‌های این سفر الهی هر چه بیشتر باشد، پاداش آن نیز به مراتب افزونتر خواهد بود.

پاداش حج، وصال بهشت

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَصَلَّةً إِلَيَّ جَنَّتِهِ» (خطبه 192)

«خداوند حج را سببی برای... رسیدن بندگان به بهشت قرار داد.»

و پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: يك حج مبرور (نیكو)، از دنیا و هر چه در دنیاست بهتر است و چنین حجاجی پاداشی جز بهشت ندارد.⁷

پاداش حج، غفران الهی

«... وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ» (خطبه 1)

«دعوت شوندگان بیت الحرام... به سوی و عده‌گاه آمرزش الهی میشتابند.»

آمرزش الهی نیز پاداشی است که خداوند به مسافران کوی خویش وعده داده است و عده‌گاه این گذشت و این عفو، خانه خداست.

پناه بیناهان

«جَعَلَهُ... وَالْعَائِدِينَ حَرَمًا» (خطبه 1)

«خداوند سبحان... کعبه را... خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد.»

- کعبه زو تشریف بیت الله یافت کعبه زو تشریف بیت الله یافت
- گشت ایمن هر که در وی راه یافت گشت ایمن هر که در وی راه یافت

(عطار)

پناهگاه انسانها

«بَيْتِهِ الْحَرَامَ... يَا لَهْوَنَ إِلَيْهِ وَلَةَ الْحَمَامِ» (خطبه ۱)

«خانه محترم خدا... که انسانها همانند کبوتران به آن پناه میبرند.»

حضرت تعبیر از «پناه کبوتران»، اوج نیاز پناهنده شدن به ملجأ مطمئن برای انسان و آرامبخش بودن این پناهگاه ویژه را برای او نشان میدهد.

- ای چو کعبه، وحوش را همه امن ای چو کعبه، وحوش را همه امن
- خلق را مقصر و درگهت مأمَن خلق را مقصر و درگهت مأمَن

(مسعود سعد سلمان)

تبلیغات در حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ». (نامه ۶۷)

«حج را برای مردم بپا دار و روزهای خدا را به ایشان متذکر باش.»

یادآوری ایماالله، روزهای خدا، روز قیامت، روز موت، نعمتهای الهی و روزهای بزرگ پیروزی و موفقیت الهی، تبلیغاتی است که امام در حج به قثم بن عباس فرماندار مکه و امیر الحاج فرمان می‌دهند؛ تبلیغاتی که در ترغیب مردم به امور خیر میبایست هر سال با شکوهتر تدوین و اجرا گردد.

تجارت در حج

«يُحْرَزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنْجَرِ عِبَادَتِهِ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در تجارتگاه الهی به دست می‌آورند.»

تجارت حج معاملهای است میان خالق و مخلوق، تجارتگاه حج بازار بندگی میهمانان بیتالرحمان است. حج در این بازار بهایی است برای خرید غفران الهی و بهشت خداوند؛ تجارتي که خسران ندارد.

توطئه بیگانگان در مراسم حج

«كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّهٌ إِلَيَّ الْمَوْسِمِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، الْعُمِّي الْقُلُوبِ». (نامه ۳۳)

«به من خبر رسیده است که گروهی از کور دلان و... از اهل شام (مأمورین معاویه) به سوی مکه (برای توطئه) در مراسم حج گسیل شده‌اند.»

امام خمینی (قدس سره): در مراسم حج، ممکن است اشخاصی از قبیل ملاحی و ابسته به خود را وادار کنند که اختلاف میان شیعه و سنی ایجاد کنند و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعضی ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران هر دو فرقه باید هشیار باشند و بدانند که این کوردلان جیرهخوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر (صلي الله عليه وآله) می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند و یا لا اقل به انحراف کشانند.⁸

تعلیم و تعلّم در حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقِمْ الْمُسْتَفْتِيَّ، وَعَلِّمِ الْجَاهِلَ». (نامه 67)

«حج را برای مردم بپا دار و... آنان که پرسشهای دینی دارند، با فتواها آشنایشان گردان و ناآگاهان را آموزش ده.»

تقویت دین با حج

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ». (حکمت ۲۴۴، فیض الاسلام)

«خداوند حج را به عنوان عاملی برای تقویت دین، واجب گردانید.»

حفظ و تقویت دین، ضرورتی انکارناپذیر و بلکه از اوجب واجبات است. تقویت دین طرق بسیار دارد و بسته به زمان و مکان و موقعیت خاص، روش ویژه خود را میطلبد، و حج به عنوان یک استراتژی همه ساله، این تأثیر نیرومند را در تقویت دین داشته و مسلمین آگاه میبایست بدان توجه جدی بنمایند.

تواضع در حج

«وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عِلْمًا لِنَوَاضِعِهِمْ لِعِظَمَتِهِ» (خطبه 1)

«خداوند حجّ خاتمه را علامت تواضع مردم در برابر عظمت خویش قرار داد.»

حج از جمله مقامات و عباداتی است که فرد مسلمان با شرکت در آن، اوج تواضع و فروتنی خود را در برابر خالق نشان میدهد و با اجرای فرامین خداوند، کرنش خویش را در مقابل عظمت باری تعالی به نمایش میگذارد.

تواضع در حج

«حَتَّى يَهْزُوا مَنَابِقَهُمْ ذُلًّا» (خطبه 192)

«عاشقان بیت الله الحرام... شانهای خود را با خضوع و فروتنی بسیار (در سعی و طواف) میجنبانند.»

در حج، هر کس با هر شخصیت و با هر مقام و منصب دنیوی و هر نوع افتخار قومی و ظاهری، ذلیلانه، تمرین تواضع و فروتنی میکند. تواضع در برابر خالق، که فروتنی در برابر مخلوقات را هم به دنبال دارد.

توجه به نیاز حجاج

«وَمَرُّ أَهْلِ مَكَّةَ أَلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنِ أَجْرًا» (نامه 67)

«و به مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زائری در ایام حج اجرت مسکن نگیرند.»

رفع نیاز حجاج و از جمله تأمین مسکن آنان، از مسائل مهمی است که حکومت اسلامی در جهت برپایی هر چه باشکوهتر این فریضه الهی میبایست مد نظر داشته و بدان همت گمارد. در این نامه حضرت به فرماندار مکه و امیر الحاج منصوب خود، در این زمینه دستور صریح میدهند.

توجه به نیازمندان در حج

«وَلَا تَحْجِبَنَّ ذَا حَاجَةٍ عَنْ لِقَائِكَ بِهَا» (نامه 67)

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان.»

توجه به نیازمندیهای محرومان را امام به فرماندار مکه مینویسد و این اعم است از نیاز حجاج و نیاز محتاجان و نیاز مسلمانان سایر کشورهای اسلامی

توحید در حج

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... وَجَعَلَهُ ... وَإِدْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ» (خطبه ۱)

«خداوند سبحان حجّانهاش را نشانه اعتراف به عزّت و بزرگی خویش قرارداد.»

تمامی مراسم حج درس توحید و اقرار به وحدانیت و عزّت و عظمت خداوند است. حج جدای از تمام آثار و منافع سرشار آن، تمرین یکتاپرستی و شناخت عظمت و بزرگی حضرت باری تعالی است.

توسل به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ... حَجُّ النَّبِيِّ وَاعْتِمَارُهُ» (خطبه 110)

«بهترین وسیله توسل و تقرب به خداوند سبحان، ... حجّ خانه خدا و عمره آن است.»

به فرموده حضرت، توسل به خداوند سبحان اسباب و وسایلی میخواید (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) که به ده مورد از بهترین آنها اشاره میفرماید و حج و عمره، از جمله این وسایل دهگانه است که باعث توسل و تقرب به خداوند باری تعالی می گردند.

جایگاه انبیای الهی

«بَيْتِ الْحَرَامِ... وَاخْتَارَ... وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَاءِهِ» (خطبه ۱)

«خداوند برگزیدگانی را به حج دعوت نمود که... بر جایگاه انبیای الهی قرار گیرند.»

شاید کعبه تنها جایگاهی است که همه انبیای الهی از آدم (علیه السلام) تا خاتم (صلي الله عليه وآله) در آن حضور یافته و به فرمان الهی حجّ بیت الله را انجام داده‌اند.

جایگاه کعبه در اسلام

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهِ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا» (خطبه 1)

«خداوند سبحان، کعبه را نشانه‌ای گویا برای اسلام قرار داد.»

جایگاه و ارزش کعبه در اسلام، موقعیت پرچم و درفش هر قدرت و هر مکتبی است. لذا این علم همواره باید بر پا و برافراشته بماند تا نشان از بر پایی و قدرت و شکوه اسلام باشد.

جهاد ناتوانان

«... وَالْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ» (حکمت 136)

«حج جهاد هر ناتوان است.»

علی (علیه السلام) با این بیان، حج را مرتبه‌ای از جهاد فی سبیل الله قرار می‌دهند که مفهوم انجام حج را پیروزی بر سپاه دشمن در کمین میتوان شمرد. بیانی که هم اهمیت و ارزش حج را بیان میکند و هم افراد ناتوان را از ناامیدی و دوری از مسؤلیت شرکت در جنگ، بر حذر میدارد.

حجّ آدم

«... ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَنْثُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ» (خطبه 192)

«سپس آدم (علیه السلام) و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه بیایند.»

حضرت آدم (علیه السلام) و فرزندانش نیز به فرمان خداوند به این امتحان الهی تن دادند و به سوی آن روی آوردند، حج گزار شدند و مورد احترام و تبریک فرشتگان قرار گرفتند و در پی آدم (علیه السلام) سایر پیامبران الهی، این فرمان خداوند را لبیک گفتند

حج، اعتراف به عزت خداوند

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... وَجَعَلَهُ ... وَإِدْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ» (خطبه ۱)

«حج بیت الله الحرام... که خداوند نشانه اعتراف مردم به عزت و بزرگی خویش قرارداد.»

اذعان و اعتراف به عزت و بزرگی خداوند و کوچکی و ذلت انسان در برابر حضرت باری تعالی، بیان بندگی خالص مخلوق است در برابر خالق و سرتاسر حج، مشق توحید و درس عبودیت مسلمان مؤمن است.

حج انبیاء (علیهم السلام)

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَاخْتَارَ... وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ» (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان به حج بیت الحرام... کسانی هستند که... در جایگاه و قوف انبیای الهی و قوف میکنند.»

حضرت در این خطبه، فریضه حج را پیروی انبیای الهی شمرده و قوف آنان را در این سرزمین و انجام حج بیان میفرماید. در روایتی دیگر در کتاب فروع کافی، جلد ۴، ص ۲۱۴ آمده است که: نوح (علیه السلام) هنگامی که کشتیاش دچار طوفان سهمگین بود، مراسم حج را به جای آورد.

موسی (علیه السلام) با هفتاد پیامبر برای حج احرام بست.

یونس (علیه السلام) در آغاز حج «لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ» گفت.

عیسی بن مریم (علیه السلام) حجش را با «لَبَّيْكَ يَا ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ» آغاز نمود.

داوود (علیه السلام) وقتی بر بالای کوه، موج جمیعت طواف کننده را دید، دست به دعا بلند کرد.

سلیمان (علیه السلام) با حضور انس و جن، مناسک حج را به جا آورد

حج، بازار بندگی خداوند

«يُحْرَزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنَاجِرِ عِبَادَتِهِ» (خطبه 1)

«دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در این بازار عبادت خداوند به دست میآورند.»

امام خمینی (قدس سره): «مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک میکند، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود»^۹.

حج، بهای بهشت

«جَعَلَهُ اللَّهُ ... وَصَلَّةً إِلَيَّ جَنَّتِهِ» (خطبه 192)

«خداوند حج را وسیله‌های ... برای رسیدن (بندگان) به بهشت خویش قرار داد.»

برای وصال و راهیابی به جنت و بهشت، قیمت و بهایی لازم است که حج مقبول به فرموده حضرت، یکی از آنهاست و این جنت، جنت اوست. جنت خاص اوست.

حج، بهترین وسیله تقرب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ» (خطبه 110)

«همانا بهترین وسیله تقرب به خداوند سبحان (ده چیز است؛ از جمله) ... حج و عمره بیت الله الحرام.»

در این خطبه حضرت، حج و عمره را از جمله راههای دهگانه، و بهترین وسیله تقرب به خداوند میخوانند. حجی که سرتاسر اعمالش با نیت قربه‌الی الله برگزار شود به یقین تأثیری این چنین خواهد داشت.

حج، بیتوجهی به زیباییهای ظاهری

«وَشَوْهُوا بِإِعْقَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ» (خطبه 192)

«عاشقان بیت الله... بر اثر اصلاح نکردن موهای سر، قیافه زیبای خود را زشت گردانیده‌اند.»

حج بیت الحرام پس از طی مسافتهای طولانی و سخت، در حالی به بیت خدا میرسند که موهای سرشان بلند و در اثر این پریشانی مو، قیافه‌هایشان نا مرتب است و بیتوجه به آشفته‌گی ظاهری، به محض رسیدن به خانه محبوب، با همان وضع درهم به زیارت و طواف بیت الله میشتابند.

حج، بیتوجهی به زیباییهای دنیوی

«وَيَرْمُلُونَ عَلَيَّ أَقْدَامِهِمْ، شُعْتًا غَيْرَ أَلِيَّةٍ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الحرام... بر پاهای خود هروله میکنند در حالی که (بیتوجه به مظاهر دنیوی) موهایشان آشفته و بدن‌های پرگرد و غبار دارند.»

در حج، حاجیان زیباییهای ظاهری را به دور میریزند و بیتوجه به مظاهر پوچ دنیوی، جلوه‌های زیبای خدایی را برگزیده‌اند.

حجگزاران، این حالت آشفته و غبار گرفته را در طی سفر حج و برای کسب رضای خداوند گرفته و زیباییهای شخصی خود را در این راه الهی از دست داده‌اند.

حج، دعوت برگزیدگان

«حَجُّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ» (خطبه 1)

«خداوند از انسانها شنوندگان را برگزید (تا با انجام حج) سخناو را تصدیق کنند.»

در روایات آمده است که حج در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان که شب قدر است، مقدر میشود، و در روایتی آمده است: اینگونه نیست که برخی از مردم تصور میکنند که اگر مال داشته باشند میتوانند به حج بروند، چه بسا ثروتمندانی که بیش از مخارج سفر حج مال دارند، اما تا زمانی که خداوند به آنها اجازه ندهد، توفیق حج را به دست نمیآورند.

در هر حال، در این بیان حضرت، حجگزاران واقعي کسانی هستند که خداوند متعال آنان را برگزیده و دعوت به حج نموده است .

- چند گویی کعبه را کاینک به خدمت میرسم چند گویی کعبه را کاینک به خدمت میرسم
- چون نخواهدت هنوز از دور خدمت میرسان چون نخواهدت هنوز از دور خدمت میرسان

پوشیده میگردد. که دیگر هیچ شخصیتی جز تقوا، خریدار ندارد .

(نظامی)

حج، زایل کننده شخصیت‌های کاذب

«قَدْ نَبَّأُوا السَّرَائِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ». (خطبه 192)

«عاشقان بیت الحرام...لباس‌های خود را که نشانه شخصیت آنها است، درآورند و پشت سراندازند.»

حجگزاران با ورود به احرام، شخصیت‌های دنیوی را پشت‌سر می‌اندازند و در مقابل، جز خداوند چیزی را نمی‌یابند. شخصیت‌های قومی، شخصیت‌های سیاسی، شخصیت‌های جغرافیایی، شخصیت‌های طبقاتی، شخصیت‌های مالی و اقتصادی، شخصیت‌های نظامی و حتی شخصیت‌های علمی که هر کدام با لباس‌های گوناگون و متحد الشكل (یونیفرم) و درجه، نمود برتری و بزرگی و تفاخر هستند، از تن بیرون میشوند و لباس یکرنگ و ساده و سفید و بی‌آرایش و هماهنگ برتن حج، پیروی انبیای الهی

«حَجَّ بَيْتِ الْحَرَامِ...وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ... وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ». (خطبه 1)

«دعوت شوندگان به حج بیت الله الحرام، کسانی هستند که... در جایگاه انبیا و قوف می‌نمایند.»

از آنجا که بنای دین همه پیامبران الهی، بر مبانی توحید و یگانه پرستی بوده است و از آنجا که همه انبیا به کعبه روی آورده و حج گزارده‌اند و از آنجا که قدوم همه رسولان باری تعالی در این مکان مقدس جایگاهی را ایجاد نموده است، در واقع حجگزار در خانه خدا پای بر جای پای آن بزرگان گزارده و با حرکت در مسیر آنان پیروی انبیای الهی از آدم(علیه السلام) تا خاتم(صلي الله عليه وآله) را مینماید

حج، جایگاه ترویج علوم دینی

«...فَأَقَمَ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقَمَ الْمُسْتَفْتَى، وَعَلَّمَ الْجَاهِلَ». (نامه 67)

«پس حج را برای مردم پیادار... و فتاواي صادره را به پرسش کنندگان ابلاغ کن و نا آگاهان را آموزش بده.»

ازجمله منافعی بسیار ارزشمند حج، آثار علمی و فرهنگی اینفریضه باشکوه الهی است و نقش آن در نشر معارف اهل بیت(علیهم السلام) و تفقه در دین در برخی از روایات بیان شده است .

حج، جهاد ناتوانان

«...وَالْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ».(حکمت 136)

«حج جهاد هر ناتوان است.»

به فرمایش حضرت، حج مرتبه‌های از جهاد است. همانند رزمایشی است نیرومند و قدرت نمایی بینظیر. عظمت و وحدت مسلمین را در چشم دشمنان مینمایاند و آنان را پیش از هرگونه توطئه و هجمه، از این خیال شوم و پلید بر حذر میدارد.

حج، سبب رحمت الهی

«جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ».(خطبه 192)

«خداوند حج را سببی برای رحمت خویش قرار داد.»

از جمله اسباب و عللی که رحمت خداوند را به دنبال دارد، حج خانه اوست. فلسفه حج ورود در میهمانی خدای بزرگ و طلب رحمت افزونتر و خروج از معاصی و گناهان و توبه از گذشته اعمال و انتخاب راه و روش صحیح برای آینده است.

حج و عمره، شستشو دهنده گناهان

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ... وَيَرْحَضَانِ الدَّنْبَ».(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت الحرام .. شستشو دهنده گناهانند.»

حج، تصدیق کلام خداوند

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامَ... وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا... وَصَدَقُوا كَلِمَتَهُ».(خطبه 1)

«خداوند در میان انسانها، شنوندگانی را برگزید (تا با انجام حج) سخن او را تصدیق نمایند.»

زائران خانه خدا با اجابت دعوت حق، در واقع این کلام خداوند را تصدیق نموده لبیک میگویند که فرمود:

{وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.}

«ای ابراهیم در میان مردم به حج خانه خدا بانگ برآور تا به سوی تو آیند، در حالی که پیاده و سوار بر هر اشتری لاغر، از هر راه دور می‌آیند»¹⁰.

حج، عامل تقویت دین

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ».(حکمت ۲۴۴ فیض الاسلام)

«خداوند حج را برای تقویت دین واجب گردانید.»

حکمت ۲۴۴، در ترجمه و شرح نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام به صورت «تَقْوِيَةٌ لِلدِّينِ» آمده است که به هر صورت با توجه به احادیث و روایات مشابه؛ از جمله این فرمایش حضرت زهرا (علیها السلام) «الْحَجَّ

تَشْبِيحاً لِلدِّينِ»؛ «حج پشتمانه استواری برای تحکیم دین است»، مفهومی مشابه داشته و این فرمایش نه تنها اهمیت حج را میرساند بلکه تکلیف عملی مسلمین را در حفظ و تقویت دین از راه حج نیز بیان میدارد.¹¹

حج، عامل همبستگی دینی

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ». (حکمت 252)

«خداوند حج را وسیله نزدیکی و همبستگی مسلمانان قرار داد.»

حج، تبلور شکوه وحدت اسلامی و تجلی قدرت امت مسلمان و نمایشگاه حضور همدلان و همراهانی است که ناهمگونی «سیما» را با همگونی «سیرت» پیوند میزنند، تا شعار اتحاد اسلامی را فراتر از شکلها، رنگها و معیارهای جغرافیایی و نژادی تحقق بخشند و تعالیم آیین وحدت آفرین اسلام را عرضه نمایند

حج، عامل رونق اقتصادی

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يُنْفِيَانِ الْفَقْرَ». (خطبه 110)

«حج و عمره خانه خدا.. نابود کننده فقر هستند.»

حج، جدا از تأثیرات معنوی و اخروی، دارای منفعت دنیوی و رونق اقتصادی است و نتیجه آن از میان رفتن فقر در جوامع اسلامی است

حج، محل گفتگوی دانشمندان

«... فَأَقِمُ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... وَذَاكَ الْعَالِمَ». (نامه ۶۷)

«حج را بپای دار... و با دانشمندان به گفتگو پرداز.»

بسیاری از دانشمندان از سرزمینهای دور، در وقت معین حج، در این مکان موعود گرد میآیند. توجه به آنان و گفتگوی با علما و در مقیاس وسیعتر ایجاد زمینهای مباحثه عام دانشمندان و برگزاری جلسات و سمینارهای علمی میتواند آثار بسیار ارزشمندی را برای جوامع اسلامی و نشر و گسترش علوم در سراسر بلاد مسلمان در پیداشته باش

حج و حکومت اسلامی

«فَأَقِمُ لِلنَّاسِ الْحَجَّ». (نامه 67)

«پس برای مردم حج را بپای دار.»

در این نامه که حضرت آن را در فرمانی به قثم بن عباس، فرماندار مکه نوشتند، لزوم برپایی حج را توسط دستگاه حکومتی بیان کردهاند.

حج و رفع نیاز محتاجان

«وَلَا تَحْجُبَنَّ ذَا حَاجَةٍ عَنْ لِقَائِكَ بِهَا». (نامه 67)

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان.»

ابو احمد از صحابه خاص امام صادق (علیه السلام) گوید: با امام صادق (علیه السلام) مشغول طواف بودم، دستش به دست من بود، مردی پیش آمد و از من حاجتی خواست، اشاره کردم آنجا باش تا فارغ شوم .

فرمود: کیست؟

گفتم: مردی است، از من حاجتی خواست .

فرمود: مسلمان است؟

گفتم: بلی .

فرمود: برو نیازش را برآور .

گفتم: طواف را قطع کنم؟

فرمود: بلی .

گفتم: گرچه واجب باشد؟

فرمود: بلی، گرچه واجب باشد. هرکه در پینیز مسلمان رفت، خداوند برایش هزار هزار حسنه بنویسد و از او هزار هزار سینه و گناه بزداید و برایش هزار هزار درجه بالا ببرد¹².

حج، وسیله امتحان مردمان

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ... ابْتِلَاءً عَظِيمًا، وَامْتِحَانًا شَدِيدًا وَاخْتِبَارًا مُبِينًا». (خطبه 192)

«پس آن را بیت محترم خویش قرار داد... (و حج آن را) آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایشی آشکار».

حج وسیله امتحان ایمان مردمان از حضرت آدم (علیه السلام) تا پایان انسانها است؛ امتحانی که به فرموده آن بزرگوار بسیار بزرگ و سخت خواهد بود .

و حضرت در این خطبه، سه نوع آزمون الهی را بیان میکند .

حج، وسیله خلوص

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ... وَتَمْحِصًا بَلِيغًا». (خطبه ۱۹۲)

«پس آن را خانه محترم خویش قرار داد (و حج آن را) برای پاکسازی و خالص شدن».

زائر بیت الله الحرام با تحمل سختیهای سفر و طی راههای پر مشقت و اقدام به این عبادت الهی، تأثیرات ارزشمندی را در پاکسازی دل، از هر آنچه غیر خداست، به دست میآورد و با حجی مقبول بر خلوص دل میافزاید و صفای باطن را تحصیل و به ارمغان میبرد .

حج، وعدهگاه آمرزش الهی

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ». (خطبه 1)

«و خداوند حجّ خانه محترم خویش را بر شما واجب نمود... (و دعوت شوندگان)... به سوی و عدگاه آمرزش الهی می شتابند.»

به فرمایش حضرت، خانه خدا، و عدگاه آمرزش الهی است، و حضرت باری تعالی عفو و آمرزش خود را به حاجیان خانهاش وعده فرموده است.

حجّ معنوی

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ... تَهْوِي إِلَيْهِ تَمَارُ الْأَفْنِدَةِ» (خطبه ۱۹۲)

«خداوند آن (کعبه) را خانه محترم خویش قرار داد که... انسانها به سوی آن با میوه دلها [عشق] روی میآورند.»

حج، سرشار از جلوههای معنوی و درس های بزرگ عرفانی و نمادهای پرشکوهی از رابطه عاشقانه بنده با معبود خویش است.

لذا به فرموده حضرت، عاشقان بیت الله، با این خصوصیت رو سوی خانه دوست مینمایند.

- سفر کعبه، نمودار ره آخرت است سفر کعبه، نمودار ره آخرت است
- گر چه رمز رهش از صورت دنیا شنوند گر چه رمز رهش از صورت دنیا شنوند

خاقانی (حِرا)

«وَلَقَدْ كَانُوا رَسُولَ اللَّهِ [يُجَاوِرُ فَيْكَلٌ سَنَةَ حِجْرَاءَ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي]» (خطبه 192)

«همانا پیامبر (صلي الله عليه وآله) چند ماه از سال را در غار حرا میگذراند و تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمیدید.»

حرا نام غاری است در جبلانور یا کوه حرا، در فاصله ۶ کیلومتری مکه. این غار خلوتگاه پیامبر (صلي الله عليه وآله) در سالهای قبل از بعثت بوده و آیات نخست قرآن در آنجا بر پیامبر (صلي الله عليه وآله) نازل شده است.

حفظ اموال کعبه:

وَكَانَ حَلِيُّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَيَّ حَالِهِ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (حکمت 270)

«و اما زیورهای کعبه از اموالی بودند که خداوند آن را به حال خود گذاشت تو نیز آن را به حال خود واگذار، همانطور که خداوند و پیامبرش آن را به حال خود گذاشتند.»

در این بیان، حضرت بر حفظ زیورهای کعبه و عدم مصرف آن در امور دیگر تأکید میکند. چه بسا با تعمیم آن، حفظ استقلال مالی کعبه و مصرف وجوهات آن را در راه توسعه و گسترش خود حرم و اماکن وابسته به آن بتوان نتیجه گرفت.

حکومت اسلامی و خانه خدا

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ» (نامه ۴۷)

«خدا را، خدا را، درباره خانه خدا، که تا زنده هستید آن را خالی مگذارید.»

این بیان قسمتی از وصیت آن حضرت در واپسین لحظات زندگی است به فرزندانش که در این نامه، حضرت لزوم اهمیت برپایی هر چه باشکوهتر حج و وظیفه حکومت اسلامی را در تقویت این عبادت مهم الهی، بیان میکند، اما با همه تشویق، اگر مردم به حج راغب نگشتند، بر امام مسلمین و حکومت اسلامی است که با اعزام آنان به حج، مخارج سفر آنان را تأمین کند.

پینوشت ها:

1. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۶

2. وافی، ج ۲، کتاب الحج.

3. آل عمران: ۹۷

4. مائده: ۹۶

5. ابراهیم: ۳۶

6. کافی، ج ۴، ص ۲۵۲

7. احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۴۰

8. فصلنامه «میقات حج»، ش ۷

9. فصلنامه «میقات حج»، شماره 1

10. حج: ۲۷

11. بحار، ج ۳، ص ۱۵۸

12. کافی، ج ۴، ص ۴۱۵